

امام خمینی و تفسیر هدف گرا

عبدالحسین زین العابدین

ترجمه حیدر علوی نژاد

(... و مع الأسف، به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستان ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد.)^۱

این سخنان صغیر شعله های اندوه و سوز و گدازی است که مفسر ما، امام خمینی(ره)، در آن می سوخت، و تأسف عمیق خویش را از کوتاهی مسلمانان درباره کتاب خدا در وصیت نامه الهی - سیاسی خویش این گونه ابراز می داشت، کتابی که نازل نشده است جز برای این که قیّم، پیشوا، وس یله تشخیص حق و باطل و دارای سیطره و حکومت باشد:

(کار به جایی رسید که نقش قرآن، به دست حکومت های جابر و آخوندهای بدتر از طاغوتیان، وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد.)^۲

همت اصلی امام در تمام زندگی، و مسئولیتی بزرگ که خودش را در راه آن وقف کرده بود، چیزی بود که از آن به (رهایی قرآن از گورستان ها) تعبیر می کند، تا بار دیگر قرآن نقش پیشرو و فعال خویش را برای ساختن (انسان کامل)، (امت گواه و پیشرو) و (دولت مقتدر و عدالت گستر) به دست آورد.

قرآن، راز توانمندی و آقایی ما

به نظر مفسر ما امام خمینی، قرآن جز برای ساختن این مثلث (انسان، امت و دولت) با تمام ابعاد الهی و ربانی نازل نشده است. بارها از ایشان می شنویم که اگر مطالعه ای سطحی در قرآن بکنیم، در هر سوره، بلکه در هر آیه این حقیقت را در می یابیم، آیات بسیاری که در جای جای قرآن ما را به جنگ و جهاد و قتال و فدا کردن جان و مال در راه خدا و مستضعفین فرا می خواند، و برای رویارویی با ستمگران و مستکبران دعوت می کند.

و چه آیات بسیاری که ما را به نبرد با طاغوت، به هر شکل و رنگی که باشد، و قیام علیه آن و ردّ و کفر به آن دعوت می کند.

و آیات بسیاری ما را به آمادگی و تهیه عده و عده فرا می خواند، و از کسالت سستی و غفلت برحذر می دارد، به آگاهی و بیداری دعوت می کند و به آماده سازی (نیروی) لازم به اندازه توان.^۳

قرآن کریم سرشار است از این گونه آیات، به گونه ای که خواننده قرآن اگر چه مطالعه ای سطحی هم داشته باشد، درخواهد یافت که منطق قرآن (نیرو، انقلاب و دولت) است و منطق (به پاخاستن مستضعفان در برابر ستمگران) و منطق (جهاد، و عطا و گذشت و قربانی دادن و جان فدا کردن).

از این رهگذر راز توطئه های بزرگ علیه قرآن برای ما روشن می شود و این که چرا می خواهند قرآن را از صحنه زندگی ما دور کنند و از جامعه ما بیرونش برانند و آن را از محتوا خالی کنند و

جهت گیری زندگی ساز و انقلابی آن را نابود سازند و روش استوار و مبارز آن را بی م ایه نشان دهند:

(وقال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه لعلکم تغلبون) فصلت/۲۶

کافران گفتند: گوش به این قرآن فرا ندهید، و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید! این شعار کهن و تازه ای (!) است که قرآن آن را از زبان خود دشمنان نقل می کند، که امیدی به پیروزی بر مسلمانان جز با دور کردن قرآن از میان آنان و به بازی گرفتن آن نیست!! امام می فرماید: دشمنان ما قرآن را مطالعه کرده و به خوبی دریافته اند که راز توانایی، قوت، وحدت و پیروزی ما قرآن است و این کتابی است که اگر مسلمین آن را به خوبی و دقت فرا بگیرند و به سخنان و دستورات و راهنمایی های آن پاسخ مثبت بدهند، به دشمنان اجازه نداده و نخواهند داد که سلطه شان را بر مسلمانان گسترش دهند و یا کمترین راهی بر آنها بیابند، زیرا قرآن فریاد می زند:

(و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلاً) نساء/۱۴۱
و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.
و می فرماید:

(ولاتهنوا و لاتحزنوا و أنتم الأعلون إن کنتم مؤمنین) آل عمران/۱۳۹
و سست نشوید و غمگین نگردید، و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.
و سرود قوت و وحدت را چنین سر می دهد:

(و أعدوا لهم ما استطعتم من قوّة) انفال/۶۰

هر نیرویی در قدرت دارید؛ برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید.

(واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرّقوا) آل عمران/۱۰۳

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید!

و از درگیری و سستی و یأس و کسالت برحذر می دارد:

(ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم) انفال/۴۶

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

(اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون) آل عمران/۲۰۰

استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

و صدها آیه دیگری که مسلمانان را مخاطب قرار می دهد که با قوت، صلابت عزت و پیروزی زندگی کنند.۴

این همان فریادی است که سید جمال الدین سرداده بود، او معتقد بود که قرآن الهام بخش جهاد مسلمانان و مبارزه آنان علیه استعمارگران است:

(تا هنگامی که قرآن در میان آنان، با توجه به معارف آن، خوانده می شود، تمام دنیا هم (اگر جمع شوند) نمی توانند آنان را ذلیل کنند.) ۵

با همین دیدگاه است که امام (قدس سره) تأکید می کند مهجور قرار گرفتن قرآن از سوی مسلمین به معنای مهجور ماندن تمام این معارف و ارزش هاست، و سبب فرود آمدن مسلمانان بلندای پیشاهنگی و رهبری در میان سایر ملت ها، تا جایی که جایگاه آنان در میان سایر ملت ها، مانند ملت ها و حکومت هایی خواهد بود که بازیچه دست سیاست های استعماری و حکومت های استکباری خواهند شد، چنان که موقعیت واقعی ما در این روزگار است.

بدین سان آنچه که دشمنان آرزوی آن را داشتند، یعنی ایجاد فاصله بین قرآن و امت اسلامی، تحقق پذیرفته است:

(لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فيه لعلکم تغلبون) فصلت/۲۶

مفسر واقعی کیست؟

اولین و اساسی ترین شرطی که، به نظر امام، مفسر باید آن را دارا باشد، این است که به مقاصد و اهداف قرآن توجه داشته باشد، تا اینها را در تفسیرش تبلور ببخشد، تا ابزارهای تفسیری به جای اهداف آن ننشینند، و جایگاه مقاصد آن را اشغال نکنند، و مفسر از درک اهداف قرآن پرت نیفتد، و از درک فضای رسالت قرآن، که قرآن می خواهد آن را برساند دور نماند، و از گام های مبارزه به رهبری قرآن عقب نماند.

ضرورت این شرط اساسی بدان جهت است که جداکردن قرآن از فضای حرکت هدف دار و اهداف اساسی و حرکت انقلابی اش، اهمیت، نقش آفرینی و زنده بودن آن را نابود می کند، همان گونه که سبب می شود که دریافت واقعی و افق های حقیقی قرآن نادیده بماند.

(مفسر وقتی (مقصد) از نزول را به ما بفهماند مفسر است، نه (سبب) نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است.) ۶

دوری مفسر از اهداف نزول قرآن و مقاصد آن سبب برخورد نادرست و اشتباه در کشف معانی و دلالت های قرآن می شود، تا آنجا که زنده ترین، داغ ترین و حرکت آفرین ترین آیه ها به صورتی سردتر از یخ می نماید! و آیاتی که جنبه های گسترده و آفاق وسیع را در بر می گیرند، در زوایای بسته و تاریک و در افق های تنگ و دشوار قرار می گیرند. و از همین رو ما مصداق روشن این گلابه پیامبر شده ایم که با سوز و گداز تمام می گوید:

(و قال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً)

و پیامبر عرضه داشت: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند.

مفسران و غیرمفسران، دانشمندان و نادانان در این مسأله مثل هم هستند!! مفسر ما، امام(ره) می گوید:

(مهجور گذاردن قرآن مراتب بسیار و منازل بی شمار دارد که به عمده آن شاید ما متصف باشیم.)

پس از آن با تأسف از وضعیت ناپذیرفتنی امروز مسلمین بلکه مفسران و رابطه نابایسته شان با قرآن می فرماید:

(آیا اگر ما این صحیفه الهیه را مثلاً جلدی پاکیزه و قیمتی کردیم و در وقت قراءت یا استخاره بوسیدیم و به دیده نهادیم، آن را مهجور نگذاشتیم؟

آیا اگر غالب عمر خود را در تجوید و جهات لغویه و بیانیه و بدیعیه آن کردیم، این کتاب شریف را از مهجوریت بیرون آوردیم؟

آیا اگر قرائات مختلفه و امثال آن را فرا گرفتیم، از ننگ هجران قرآن خلاصی پیدا کردیم؟
آیا اگر وجوه اعجاز قرآن و فنون محسنات آن را تعلم کردیم، از شکایت رسول خدا(ص) مستخلص شدیم؟

هیئات! که هیچ یک از این امور، مورد نظر قرآن و منزل عظیم الشأن نیست. ۷
مشکل اصلی تفسیر قرآن و قراءت متن در نظر امام این است که در تفسیرها روش (بیان مقصود) نادیده گرفته می شود، با اینکه تنها این روش است که مفسر را به افق های مقاصد بزرگ قرآن بالا می برد، و اهداف بلندی را که قرآن برای تحقق و پیاده کردن آنها در زندگی فردی واجتم اعی نازل شده است، فرا روی او قرار می دهد:

(مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا اهمیت به آن نداده، از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل غفلت ورزیده و این یک خطایی است که قرن هاست این ملت را از استفاده از قرآن شریف محروم نموده و راه هدایت را به روی مردم مسدود کرده). ۸
با همین دیدگاه است که ایشان معتقد است تا کنون برای قرآن تفسیری (شایسته و جامع) نوشته نشده است، این در حالی است که ما با انبوهی از تفاسیر که در طول سده های گذشته نوشته شده رو به رو هستیم، ایشان با صراحت می فرماید:

(به عقیده نویسنده تاکنون تفسیر برای کتاب خدا نوشته نشده). ۹
ممکن است این سخن در نظر برخی عجیب بنماید، و آن را نادیده انگاشتن تلاش های مفسران تلقی کنند، اما امام(قدس سره) برای سخن خود این گونه استدلال می کند:
(به طور کلی معنای (تفسیر) کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید، و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد). ۱۰

اما در عین حال مفسر ما، برای این که این اشکال برداشته شود می نویسد:
(مقصود ما از این بیان، نه انتقاد در اطراف تفاسیر است، چه که هر یک از مفسرین زحمت های فراوان کشیده و رنج های بی پایان برده تا کتابی شریف فراهم آورده، فلله درهم و علی الله أجرهم، بلکه مقصود ما تأکید بر این است که باید راه استفاده از این کتاب شریف را به روی مردم گشود، و زمینه بهره مندی از آن را هموار کرد). ۱۱

ایشان در تفسیر سوره حمد که اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایراد شده - به تلاش های برخی از مفسران برجسته، از گذشتگان و معاصران اشاره می کند، و به نظر ایشان هر یک از آنان، به

تناسب تخصص و گرایش خویش، بُعدی از ابعاد قرآن را برای ما روشن کرده اند، حجابی از حجاب های آن را کشف و پرده ای از پرده های آن را بالا زده اند. امام به کار دشواری که مفسران شیعه و سنی در درازای سده ها با آن دست و پنجه نرم کرده اند اشاره کرده، و این که این طبیعت تفسیر قرآن است که: (دریایی است که بردارندگان آب آن را خشک نگردانند، و چشمه سارهایی است که آب کشندگان، آب آن را فرونشانند، و آبشخورهایی است که در آیندگان، آب آن را کم نکنند.) ۱۲ آنجا که می فرمایند:

(قرآن یک کتابی نیست که بتوانیم ما یا کس دیگری یک تفسیر جامعی آن طور که اسزوار است بر آن [بنویسد. علوم قرآن یک علوم دیگری است ماورای آنچه ما می فهمیم. ما یک صورتی، یک پرده ای از پرده های کتاب خدا را می فهمیم.) ۱۳ اما این، غفلت مفسرانی را که از مقاصد و اهداف قرآن غفلت کرده اند توجیه نمی کند، کسانی که به اهداف ادبی و بلاغی، یا نحوی و صرفی، و یا داستان های تاریخی و جز آن توجه کرده اند. امام می نویسد:

(صاحب این کتاب سکاکی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد؛ سیبویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد؛ مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند!) ۱۴

در عصر ما برخی دیگر از مفسران نیز به (تفسیر مقاصدی) فراخوانده اند، مانند محمد عبده، که صاحب المنار از او نقل کرده:

(تفسیری که ما می خواهیم فهم قرآن به عنوان (دین) است، که مردم را به خوشبختی در زندگی دنیایی و آخرتی شان راهنمایی می کند، این بالاترین مقصد قرآن است، بحث های دیگر، یا مربوط به همین مقصد است و یا ابزاری برای رسیدن به این مقصد.) ۱۵ به همین دلیل به نظر عبده، تفسیر، دوگونه است:

(یک گونه، تفسیر خشک و دورکننده از خدا و کتاب خداست، و آن تفسیری است که منظور آن بیان واژگان و اعراب جمله ها باشد و نکته های فنی که در آن واژگان یا جمله به آن اشاره رفته است، این گونه کارها را اصلاً نمی توان تفسیر نام نهاد، اینها تنها نوعی تمرین در فنون ن حو و معانی و امثال آن است) و نوع دوم، (تفسیری است که از همه آن فنون و شرایط استفاده می کند، اما برای اینکه از این راه هدف اصلی را بیان کند... زیرا هدف حقیقی قرآن، غیر از این شروط و فنون است، و آن هدف، هدایت شدن با قرآن است.) ۱۶

علامه شیخ طنطاوی جوهری (۱۲۸۷ - ۱۳۵۸هـ / ۱۸۷۰ - ۱۹۴۰م) از برجسته ترین مفسرانی است که در عصر جدید به ضرورت زنده کردن مقاصد قرآن، و گذشتن از (علوم لفظی قرآن) به (علم معنای قرآن) فراخوانده اند، تا بدین وسیله لطائف، جواهر، مقاصد و معنای نهایی آن را به دست آوری م. به ندهای قرآن مبنی بر وحدت امت اسلامی و کنار نهادن اختلاف و فراهم کردن ابزارهای توانمندی و نهضت فرا می خواند و نیز به رهایی از پیروی ذلیلانه از غرب که در اثر خودبستگی در

برابر غرب پدید آمده، و به تشخیص بیماری های سیاسی و اجتماعی که امت اسلامی را به عقب ماندگی، واپسگرایی و انحطاط زندگی می کشاند با آن که زمانی در اوج درخشندگی تمدنی و مدنیت بودند.

طنطاوی در تفسیر خودش، این مشکلات را ناشی از دوری عموم دانشمندان مسلمان و به ویژه مفسران از مقاصد و اهداف نهایی قرآن می داند، و بدین سبب که آنان به جای کشف مقاصد قرآن به سبک های بیانی و زیبایی های بدیعی آن پرداخته اند، او توقف در مرز سبک های بلاغی سخنان قرآن را (نادانی کور و روشی بی فرجام) می خواند، آنجا که از او می شنویم که می گوید:

(ای عالمان دین به شاگردان تان بگویند، قرآن برای رهبری آمده، آنان را فقط در بند الفاظ نگه ندارید، بلکه آنان را به دنیای معانی ببرید.)

او معتقد است که تفاوت تلقی صحابه و تابعان از قرآن با تلقی مسلمانان امروز در همین نکته نهفته است. او می گوید:

(از آنجا که صحابه و تابعان، به اجمال، معانی اصلی و هدف قرآن را می دانستند، خواب از ایشان ربود و چشم شان را گشود، و به همین دلیل از وطن شان هجرت کردند، درد و رنج را به جان خریدند، و از سوی شرق تا چین پیش روی کردند، و از غرب نیز تا سرزمین فرانسه پیش تاختند، تمام اینها بدین دلیل بود که آنان معارف قرآن را می فهمیدند و حتی بلاغت قرآن نیز در نظر آنان غیر از آن چیزی بود که امروزه شما می آموزید.) ۱۷

طنطاوی عوامل عقب ماندگی و موانع حرکت انقلاب مسلمانان را مشخص کرده و به نظر او، در رأس این موانع (نظام شاهی موروثی) است، که به کلی با اسلام و قرآن تفاوت دارد.

او می نویسد:

(هر مصیبتی که بر سر امت اسلامی آمده است نتیجه نادانی شاهان و امیران بوده که به شورا تن در نمی داده اند و هرگاه امیری مرده است، کشور را به فرزندی غیررشید سپرده و کشور تباه شده، زیرا کشور همواره پیرو شاهان بوده، چه شاهان نادان، و چه امیران دانشمند.) ۱۸

او خود باختگی در برابر غرب را به شدت محکوم می کرد و نسبت به خطرهای رویکرد و اطمینان شاهان و امیران به انگلیس هشدار می داد. به نظر او (بسیاری از امیران کشورهای اسلامی به فرنگیان و یاری آنان دل می بندند و به پشتوانه دفاعی آنان متکی هستند و به نزدیکی آنان خوشحالند و به آن وابسته می شوند، گویی اسلامی در کار نبوده است.) ۱۹

مستشرقان، تفسیر جواهر را مطالعه و بررسی کردند، و فهمیدند که چقدر برای استعمار و مزدوران آنها خطرناک است، تا آن که یکی از آنان (به نام جومییه) پس از بررسی گسترده این تفسیر - تصریح کرد که در این مفسر (گرایش شدیدی به گسترش روحیه انقلابی در جوانان علیه متجاوزان وجود دارد، از هیچ فرصتی برای ذکر فریضه جهاد و فضیلت آن برای خوانندگان خود فروگذار نمی کند، و مسلمانان را به فداکاری در نبرد علیه استعمار بر می انگیزد.) ۲۰

اینجاست که راز حمله هایی که به منظور خراب کردن چهره این تفسیر ارزشمند انجام شد روشن می شود، جدا از بررسی های روش این تفسیر. و از همین نکته پی می بریم که چرا سردمداران

عربستان سعودی این کتاب را تحریم کردند و از ورود آن به داخل آن کشور جلوگیری می کنند، با این بهانه که: (این تفسیر، علومی را بر قرآن تحمیل کرده که عرب با آن آشنایی قبلی ندارند و ربطی به قرآن ندارد.) ۲۱

طنطاوی نامه ای مفصل به پادشاه عربستان در آن زمان (عبدالعزیز بن سعود) فرستاد و در آخر آن نوشت که: (علمای نجد و حجاز جمع شوند و سپس هر چه دلیل و برهان حکم کرد همان باشد.) ۲۲

از سوی دیگر، صاحب تفسیر جواهر، از نامه هایی یاد می کند که پیاپی از ایران به او می رسیده، مانند نامه علامه عبدالحسین زین الدین قمی و دیگران، که این تفسیر را مناسب روح زمان می دانستند که پرده از اسرار قرآن بالا می زند، و نقاب از چهره آن بر می گیرد، علامه زین الدین از گسترش استقبال حوزه علمیه قم و عالمان و خطیبان ایران از این تفسیر یاد می کند. ۲۳

مفسر ما امام، این کتاب را از تفاسیر ارزشمندی می داند که در برداشتن برخی از پرده های قرآن سهمی داشته است و آن را در ردیف تفسیر (فی ظلال القرآن) سید قطب می شمارد.

اینک نادرستی این داوری ظالمانه را درباره تفسیر جواهر در می یابیم که: در این تفسیر همه چیز هست به جز تفسیر؛ سخنی که برخی از نویسندگان و قرآن پژوهان، بدون توجه و آگاهی همواره تکرار می کنند!

چگونه اهداف قرآن را مشخص کنیم؟

در پرتو آنچه گفته شد، می توانیم با امام (ره) همگام شویم که تفسیری که از اهداف و مقاصد آن دور بماند تفسیری مرده است، بلکه نمی توان بر آن نام تفسیر را گذاشت.

اما شناخت مقاصد و اهداف قرآن برای ما چگونه ممکن خواهد شد؟ بهترین راه برای تشخیص اهداف و درک مقاصد قرآن کدام است؟

مفسر ما، ما را به آسان ترین و سالم ترین راه رهنمون می شود، و آن خود قرآن است:

(ما باید مقصود از تنزیل این کتاب را قطع نظر از جهات عقلی و برهانی، که خود به ما مقصد را می فهماند، از خود کتاب خدا اخذ کنیم. مصنف کتاب مقصد خود را بهتر می داند.) ۲۴

هنگامی که برای استقراء مقاصد و اهداف قرآن به آن مراجعه می کنیم، ده ها بلکه صدها آیه مبارکه را می یابیم که اهداف اساسی قرآن را ترسیم می کنند، بلکه مقاصد اساسی نزول تمامی کتاب های آسمانی و به ویژه قرآن کریم را به عنوان تصدیق کننده آنها و قیّم، اقنوم و مهیم ن بر همه آنها.

در اینجا مجال آن که تمام آن آیات را بیاوریم نیست، بنابراین به چهار مورد که مورد تأکید امام در نوشته ها و گفتارهای ایشان نیز بوده بسنده می کنیم:

آیه اول:

(لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس ...) (حدید/۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرو فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است.

این آیه (هدف حقیقی) فرو فرستادن کتاب های آسمانی را مشخص می کند، همان گونه که (وظیفه اساسی) پیامبران را تعیین می کند. از همین آیه در می یابیم که مهم ترین رسالت پیامبران، برپا کردن نظامی عادلانه و اجرای احکام در جامعه است، و تنها اکتفا به نقل و بیان و تبلیغ احکام کافی نیست. وظیفه فقیهان نیز درست همین است، زیرا آنان (امنای رسولان) هستند. ۲۵
مفسر ما می پرسد:

(با همین که ما قرآن را ببوسیم و آن را روی سرمان بگذاریم، و آیات آن را شب و روز با صدایی خوش تلاوت کنیم، اسلام حفظ و نگهداری می شود؟!
آیا رسول اعظم (ع) این چنین بود، آیا به تلاوت و ترتیل قرآن اکتفا می کرد، بدون اینکه به اجرای حدود و پیاده کردن احکام آن مبادرت بورزد؟) ۲۶
ایشان به سیاق آیه توجه می کند (و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد). بی تردید آن مقاصد و اهداف بدون استفاده از آهن (سلاح) تحقق نخواهد یافت، زیرا کسی که به ندای عقل و منطق گوش فرا نمی دهد، چاره ای جز زبان زور باقی نمی گذارد. ۲۷
آیه دوم:

(كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين و منذرين و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه) بقره/۲۱۳

مردم (در آغاز) یک دسته بودند، خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند.

این آیه (هدف اساسی) فرو فرستادن کتاب های آسمانی با پیامبران را این می داند که (لیحكم بين الناس)؛ تا بین مردم داوری (و حکومت) کنند.

از هنگامی که اختلاف سر برزد و ناسازگاری میان توانمندان و ناتوانان، در اثر گونه گونه شدن آگاهی ها و پیچیده شدن نیازها، گوناگونی امکانات و... آغاز شد از زمانی که (زندگی اجتماعی نیازمند معیارهایی شد که حق را مشخص کند و عدالت را متبلور سازد، و یگانگی مردم را در چارچوبی سالم تضمین کند، و تمام قابلیت ها و توانمندی هایی را که دستاورد تجربه اجتماعی بود بر محوری مثبت قرار دهد تا به نفع همگان، سبب رفاه و ثبات اجتماعی گردد، در آن مرحله تاریخی اندیشه ظهور دولت به دست پیامبران ظهور کرد، و پیامبران به ایفای نقش خویش در برپایی دولتی صحیح اقدام کردند و خداوند پایه و قواعد چنان دولتی را پی ریخت. ۲۸

مرجع شهید محمد باقر صدر، سرآغاز تاریخی دولت را بر اساس همین آیه تحلیل و تفسیر می کند و آن را (پدیده پیامبرانه) توصیف می کند، و آن را زمینه ساز پیامبر می داند که در مرحله ای مشخص از زندگی انسانی آغاز شده است. ایشان نظریه های دیگری درباره پیدایش دولت مانند

نظریه زور و غلبه، نظریه تفویض قهری الهی و نظریه قرارداد اجتماعی و دیگر نظریات را رد می کند.

او در پرتو همین آیه دولت را نماینده تطبیق قانون آسمانی می داند که موازنه بین فرد و جامعه برقرار می کند، و مکتب های فردگرا یا سوسیالیستی را طرد می کند. ۲۹

هرکس از این هدف اساسی غفلت بورزد ممکن نیست بتواند مفسری واقعی باشد، همان گونه که امام بر این نظر است، زیرا در آن صورت، مفسر در احکام و تشریحات جزئی غرق خواهد شد و از فضاهاى معارف اجتماعى قرآن دور خواهد ماند، همان گونه که از جنبه های سیاسی انقلابی قرآن و از مشکلات تطبیق و پیاده کردن شریعت نیز دور خواهد ماند، و در نتیجه در دورترین نقطه از فضای معارف اهداف و مقاصد قرآن باقی خواهد ماند.

و به همین جهت امام بر سر کسانی که می گویند (حکومت در تشریح اسلامی وجود ندارد و نهادهای حکومتی در اسلام نیست) فریاد می زند و این شعار را - که گاه برخی از علما در حوزه ها نیز تکرار می کنند - جزء نقشه های استعماری می داند که هدف آن دور کردن مسلمانان از سیاست، حکومت و اداره کشور است. ۳۰

(اینها موج همان تبلیغاتی است که به اینجا رسیده و ما را به اینجا رسانیده است که حالا محتاجیم زحمت بکشیم تا اثبات کنیم که اسلام هم قواعد حکومتی دارد.) ۳۱
آیه سوم:

(الحمد لله الذی أنزل علی عبده الكتاب و لم یجعل له عوجاً. قیماً...) كهف/۱

حمد، مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد...

برجسته ترین صفت قرآن قیّم است، و این صفت، از قیّمومیت یا از (قیام) گرفته می شود... به معنای اول، قرآن قیّم زندگی خواهد بود و بر زمینه های فکر، جهاد و حرکت امت نفوذ خواهد داشت، تا امتی پیشوا و پیشرو و گواه بسازد: (و کذلک جعلناکم أمةً وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس و یكون الرسول علیکم شهیداً) (بقره/۴۳)

همان گونه شما را نیز، امتی میانه و معتدل قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است...

و بنا بر معنای دوم، قرآن بر پای دارنده تمام شؤون زندگی امت و زندگی مسلمانان خواهد بود تا امتی به پاخاسته و انقلابی بسازد (لیقوم الناس بالقسط).

ییک تفسیر، برای آن که به واقع تفسیر قرآنی باشد، ناگزیر باید به این صفت توجه داشته باشد، زیرا این همان هدفی است که قرآن برای (تحقق) آن نازل شده است، و دین برای آن تشریح شده است:

(ذلک الدین القیّم و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون) روم/۳۰

(و ذلک دین القیّمه) بینه/۵

(دیناً قیماً) انعام/۱۶۱

با همین منطق است که شهید صدر نظریه خود در تفسیر موضوعی را مطرح کرده و نظریه ای را که از پیش وجود داشت تحقق بخشیده است. به نظر ایشان تفسیر موضوعی واقع گرا آن است که در آن (تفسیر از واقعیت خارج شده به قرآن منتهی گردد، نه اینکه از قرآن شروع شده به قرآن ختم گردد و کاری به کار زندگی و واقعیت نداشته باشد. در تفسیر موضوعی که واقعیت های زندگی به قرآن عرضه می شود به خاطر این است که قرآن، ولیّ ما، سرپرست ما، و پناهگاهی است که در پرتو راهنمایی هایش باید واقعیت های زندگی تنظیم گردد.

از اینجاست که قدرت پاینده قرآن بر ولایت و سرپرستی انسان تجلی می کند و همین رهبری پایدار، مقصود از روایاتی است که قرآن را پایان ناپذیر می داند و در خود قرآن نیز آمده است که (کلمات الله) پایان ناپذیر است: (ما نفدت کلمات الله) (لقمان/۲۷)

به همین دلیل شهید صدر بر این نظر است که حاکمیت قرآن دائمی است، و حالت پایان ناپذیری (معارف) قرآن (در روش تفسیر موضوعی می تواند تحقق بیابد. زیرا ما در این روش، قرآن را به سخن می گیریم و در آن علوم گذشته و آینده است. قرآن داروی دردهاست، و مایه نظم امورمان را در قرآن می توانیم بیابیم. از این راه است که در برابر تجربه های زمینی در هر موضوع، دیدگاه آسمانی را می توان به دست آورد.) ۳۲

این همان معجزه بزرگ قرآنی است که فراتر از معجزه بلاغی و ادبی است... و چیزی که لازم است امروز به آن اهتمام داشته باشند...

(اعراب آن زمان ادراک نکردند. الان نیز آنها که هم افق آنها هستند، جز ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعیه و بیانیه چیزی از این لطیفه الهیه ادراک نکنند.) ۳۳
آیه چهارم:

(قد جائکم من الله نور و کتاب مبین. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور و یهدیهم الی صراط مستقیم) مائده/۱۵ - ۱۶
از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه های سلامت هدایت می کند؛ و به فرمان خود از تاریکی ها به سوی روشنایی می برد؛ و آنها را به سوی راه راست رهبری می کند.

این آیه به ترتیب سه هدف را برای نزول قرآن بر می شمارد، که در هر درجه ای از درجات سلامتی نجات از درکی از درکات تاریکی است... تا انسان به راه راست انسانی برسد، تمام انبیا برای بیرون آوردن مردم از تاریکی برانگیخته شده اند:

(الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا أولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات) بقره/ ۲۵۷

و این مبارزه ای است تاریخی میان (اولیای خدا) و (اولیای طاغوت)... این دو موضوع متقابل است... بیرون آوردن امت از تاریکی به روشنی، و این کار خداست، در مقابل آن، کشاندن امت به سوی تاریکی است، و این کار طاغوت است. ۳۴

(جهل) تاریکی است، (معصیت) تاریکی است، (غریزدگی و خودباختگی در برابر آن) تاریکی است، بلکه تیره ترین تاریکی هاست، از این رو تمام مشکلات ومصائب ما در این است که ما خودمان را گم کرده ایم، دیگران در جای ما قرار گرفته اند، مفاخر خودمان را فراموش کرده ایم. و کرامت، استقلال و وطن خود را از دست داده ایم... بی تردید همه اینها تاریکی است و طاغوت است که ما را از نور استقلال، وطن خواهی و نوآوری علمی به تاریکی پیروی از دیگران و عقب ماندگی و احساس حقارت کشانده است.

بزرگ ترین تاریکی ها و کشنده ترین و خطرناک ترین آنها تاریکی (انانیت) است، زیرا این بدترین دشمن است، بتی بزرگ تر از همه بت ها، بلکه این زاینده تمام بت ها است. تا انسان این بت را نشکند ممکن نیست الهی شود. برای این که جمع بین بت و خدا ممکن نیست و جمع بین (من یت) و (الهییت) ... و منیت، مادر تمام مصیبت هاست، زیرا (تمام جنگ ها در جهان از منیت) سرچشمه می گیرند، همه جنگ ها از (منیت) است.

(تمام انبیا که مبعوث شدند، تمام کتب آسمانی که آمده اند برای این است که این انسان را از این بتخانه اش بیرونش بیاورند تا این بت را بشکند و خداپرست بشود.) ۳۵

(انسان وقتی که از ظلمات منیت خارج شد کارش برای خدا خواهد بود و جنگش در راه خدا، و قیام او برای خداوند خواهد بود. بزرگ ترین مقصد قرآن انسان سازی است و این که انسان را انسان بسازد، تا از انسان بالقوه انسان بالفعل بسازد.) ۳۶

و با این دیدگاه است که مفسر ما تمام مقاصد دیگر قرآن را در خدمت همین هدف برتر می داند حتی ایجاد حکومت و تأسیس دولت را.

(انبیا نیامده اند حکومت درست کنند، حکومت را می خواهند چه کنند؟ این هم هست، اما نه این است که انبیا آمده اند که دنیا را اداره کنند، حیوانات هم دنیا دارند، کار خودشان را اداره می کنند... لکن مقصد این نیست، اینها همه وسیله است که انسان برسد به یک مرتبه دیگری که برای آن انبیا آمده اند.) ۳۷

* این مقاله، ترجمه فصل اول از کتاب (منهج الإمام الخمينی فی التفسیر) نوشته آقای عبدالسلام زین العابدین است که سومین کتاب از سلسله کتاب های قضایا اسلامیة معاصره می باشد و در سال ۱۴۱۸ قمری در قم به چاپ رسیده است. فصل اول کتاب (نحو تفسیر مقاصدی للقرآن) نام دارد و شامل صفحات ۱۷ تا ۳۴ است.

۱. امام خمینی، آخرین پیام، نشر اسوه، ۴.

۲. همان.

۳. صحیفه نور، ۱۶۴/۲.

۴. همان، ۴۰۷/۷؛ ۵-۴/۳؛ ۱۹/۱۶.

۵. اسد آبادی، جمال الدین، العروة الوثقی، ۱۵/۱.

۶. امام خمینی، آداب الصلاة، ۱۹۳.

۷. همان، ۱۹۸.
۸. همان، ۱۹۳.
۹. همان، ۱۹۲.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ۱۹۴.
۱۲. نهج البلاغه ترجمه دکتر شهیدی، ۳۲۴.
۱۳. امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ۹۵.
۱۴. همو، آداب الصلاة، ۱۹۴.
۱۵. رشید رضا، محمد، المنار، ۱۷/۱.
۱۶. همان، ۲۴/۱-۲۵.
۱۷. طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ۳۰۲/۲.
۱۸. همان، ۱۹۷/۲.
۱۹. همان، ۱۳۸/۳.
۲۰. شرقاوی، عفت، اتجاهات التفسیر، ۱۸۳.
۲۱. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ۵۵۲/۲.
۲۲. برای آگاهی از تفصیل نامه بنگرید به: طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، ۲۴۴/۲۵-۲۴۶.
۲۳. همان، ۲۹۷/۲۵-۲۹۹.
۲۴. امام خمینی، آداب الصلاة، ۱۹۳.
۲۵. همو، حکومت اسلامی، ۶۶-۷۳.
۲۶. همان.
۲۷. همو، آیین انقلاب اسلامی، ۴۵.
۲۸. صدر، محمد باقر، الاسلام یقود الحیاء، ۴-۵.
۲۹. همان، ۱۷.
۳۰. امام خمینی، حکومت اسلامی، ۱۸.
۳۱. همان، ۷۷.
۳۲. صدر، محمد باقر، المدرسة القرآنیة، ۲۳-۲۴، ترجمه با عنوان سنت های تاریخ در قرآن، ۱۸-۱۹.
۳۳. امام خمینی، آداب الصلاة، ۲۶۴.
۳۴. گزیده سخنان امام، ۱۰۹-۱۱۴.
۳۵. همان، ۱، ۶، ۴۶، ۴۸، ۱۰۰.
۳۶. امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۲۵.
۳۷. همان، ۱۷۴.